

## فهرست مطالب

- فصل پنجم: اخذ پروانه در صورت عدم وجود شرایط لازم ..... ۱۵
- فصل ششم: عدم تحویل پروانه در موارد تعلیق ..... ۲۵
- فصل هفتم: وکالت با وجود سابقه قضایی ..... ۲۹
- مبحث اول: منظور از محل خدمت ..... ۲۹
- مبحث دوم: بازخرید شدن قاضی ..... ۳۲
- مبحث سوم: منتظر خدمت شدن قاضی ..... ۳۴
- مبحث چهارم: نحوه اعمال این محدودیت ..... ۳۵
- در خصوص قضات محاکم تجدیدنظر ..... ۳۵
- مبحث پنجم: نحوه اعمال مقررات این ماده در خصوص ..... ۳۸
- قضات شاغل در مراجع قضایی با صلاحیت قضایی کشوری ..... ۳۸
- مبحث ششم: مبدأ شروع ممنوعیت ..... ۳۹
- مبحث هفتم: تکلیف دادگاه‌ها در مواجهه با معذوریت ..... ۴۲
- مبحث هشتم: رویه قضایی ..... ۴۳
- فصل هشتم: رفتار خلاف شأن و شغل وکالت ..... ۴۷
- مبحث اول: اعمال منافی شأن وکالت ..... ۴۸
- مبحث دوم: اشتغال به مشاغل منافی شغل وکالت ..... ۶۹۳
- فصل نهم: عدم پی‌گیری کارهای معاضدت قضایی ..... ۷۰۳
- فصل دهم: عدم قبول اوراق کانون وکلای دادگستری ..... ۷۰۹
- فصل یازدهم: تجاهر به استعمال مسکر و افیون ..... ۷۱۱
- فصل دوازدهم: وکالت بدون تمدید پروانه ..... ۷۱۵
- مبحث اول: مبانی و مفاهیم تخلف ..... ۷۱۵

۷۲۱	مبحث دوم: رویه قضایی .....
۷۲۵	<b>فصل سیزدهم: تخلف از نظاماتی که کانون تعیین می کند .....</b>
۷۲۷	مبحث اول: انجام امور وکالتی از .....
۷۲۷	سوی کارآموز بدون موافقت وکیل سرپرست .....
۷۳۲	مبحث دوم: عدم استفاده از فرم وکالت نامه مخصوص کارآموزان .....
۷۳۳	مبحث سوم: عدم استفاده از آرم کانون .....
۷۳۳	در سربرگ ها و لوگوی کانون و کلاه در لباس .....
۷۳۴	مبحث چهارم: عدم پذیرش کارآموز .....
۷۳۴	و عدم آموزش صحیح کارآموزان .....
۷۳۸	مبحث پنجم: اخذ وکالت بلاعزل از موکل .....
۷۳۸	مبحث ششم: تصدیق اوراق مربوط به دعاوی شخصی .....
۷۳۹	مبحث هفتم: درج عناوین غیرواقع در سربرگ ها و کارت ویزیت .....
۷۴۳	مبحث هشتم: عدم اظهار سمت های .....
۷۴۳	رسمی کانون و کلاه نزد مقامات قضایی .....
۷۴۴	مبحث نهم: عدم درج شماره تلفن و آدرس در .....
۷۴۴	وکالت نامه های تنظیمی و یا دادخواست ها و عرایض و لوایح .....
۷۴۵	مبحث دهم: عدم نگهداری پرونده های مختومه موکلین .....
۷۴۵	مبحث یازدهم: واگذاری وکالت نامه به اشخاص غیر وکیل .....
۷۴۶	مبحث دوازدهم: تخلف از تکالیف کارآموزی .....
۷۴۸	مبحث سیزدهم: رویه قضایی .....
۸۶۹	<b>فصل چهاردهم: عدم رعایت حسن رفتار کارآموزان وکالت .....</b>
۸۷۵	<b>ضمایم .....</b>
۸۷۶	قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷) .....
۸۸۰	لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵) .....
۸۸۷	آیین نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ .....
۸۸۷	بخش اول - انتخاب هیات مدیره .....
۸۸۹	بخش دوم - انتخاب هیات ریسه و عامله کانون و وظایف آن .....
۸۹۰	بخش سوم - پروانه وکالت و کارآموزی .....

۸۹۴	بخش چهارم - ترفیعات .....
۸۹۵	بخش پنجم - دادسرا و دادگاه انتظامی .....
۸۹۸	بخش ششم - تخلفات و مجازات آنها .....
۹۰۳	آئین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب (۱۳۹۸/۱۲/۲۸) .....
۹۱۱	دستورالعمل اجرایی تبصره ماده ۲۷ آئین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه موضوع رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا و کارشناسان قوه قضائیه و اعمال مجازات‌های انتظامی دادسرا و دادگاه انتظامی (مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۲۴) .....
۹۱۵	رأی وحدت رویه شماره هـ / ۹۴۱/۸۴ / ۱۳۸۷/۱۲/۱۸ .....
۹۱۵	هیأت عمومی دیوان عدالت اداری .....
۹۲۱	آراء هیئت عمومی دادگاه‌های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز .....
۹۴۲	شیوه نامه اجرایی فصل دوم دستورالعمل شماره یک طرح جامع رفع اطاله دادرسی مصوب ۱۳۸۴/۰۷/۳۰ .....
۹۴۲	«تنظیم حدود اختیار وکلاء و کارشناسان در صلح و سازش» .....
۹۴۲	چهارشنبه ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶ .....
۹۴۲	بخش اول: تعاریف .....
۹۴۲	بخش دوم: قواعد .....
۹۴۴	بخش سوم - نظارت و پشتیبانی .....
۹۴۵	فهرست منابع و مآخذ .....
۹۴۵	قوانین و آیین نامه‌ها .....
۹۴۶	کتب .....
۹۴۸	مجلات و نشریات .....
۹۴۹	مقالات .....

avabook.com

## بسم الله النور

### مقدمه

امروزه نقش وکیل دادگستری در تحقق امنیت قضایی، امری است که همه نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی بر آن صحنه گذاشته‌اند به طوری که می‌توان گفت بی‌تردید یکی از مبانی و پایه‌های فکری عدالت کیفری حضور شایسته وکیل در دادرسی‌ها است. حفظ حقوق متهم، کمک به برقراری یک دادرسی عادلانه بر مبنای موازین حقوقی و نقشی که وکلاء در ارتقاء رشد حقوقی یک جامعه دارند از پیامدهای مورد توجه، درخور و شایسته به نهاد وکالت و تأثیر آن در برقراری عدالت است.

حق دفاع از جمله حقوق فطری است که بشر از دیرباز آن را شناخته و اجرای کامل عدالت را در هر مخاصمه‌ای در گرو امکان استفاده طرفین دعوا از امکانات دفاعی برابر، می‌دانسته و وکالت ابزاری بوده در جهت تحقق این هدف و تأمین یک دادرسی عادلانه که نهایتاً به ارضاء میل عدالت خواهی بشر منجر گردیده است.

وکالت دادگستری موجودیتی غیرقابل انکار در جامعه امروز است. جهان امروز این واقعیت را پذیرفته است که دیگر نمی‌توان به لزوم وکیل در یک جامعه مدنی تردید کرد. تاریخ تمدن و سرنوشت تکامل اقوام و ملل نشان می‌دهد که مساعدت حقوقی به مردم و راهنمایی آنان در این زمینه در مواردی که اختلافات مالی یا خانوادگی پیدا می‌نمودند و هم‌چنین دفاع از آن‌ها در مواردی که به نقض آداب و رسوم یا ارتکاب جرمی علیه اجتماع یا اشخاص متهم گردیده و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند هم‌زمان با داور و قضا پا به عرصه وجود گذاشته است. این امر را برای اشخاص و به نام آن‌هایی که توانایی لازم را در این خصوص نداشتند کسانی انجام می‌دادند که از سنن و عرف‌ها، قوانین و احکام آگاهی لازم داشته‌اند.<sup>۱</sup>

۱. کاتبی، حسینقلی، وکالت در دنیای قدیم، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال نوزدهم (۱۳۶۶)، شماره ۱۰۵، صص ۲۰۹-۱۱۴.

زیبنده‌ترین لفظی که می‌توان برای کار وکالت برگزید واژه هنر است؛ چون در یک بررسی دقیق این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که وکالت از کلیه مشاغل دیگر جداست و حالت و وضع خاصی دارد که با هنر سازگارتر از دیگر نمودهای زندگی انسان است. تمام روابط حقوقی مردم را طی فرمول‌ها و مواد قانونی نمی‌توان پیش‌بینی نمود، هر موردی هم که متن قانونی وجود داشته باشد به خودی خود حل اختلاف نمی‌نماید؛ بل که احتیاج به نظر یک نفر قاضی دارد و اوست که باید قانون را با حقیقت وفق دهد و هر جا یک قاضی باشد، وجود دو وکیل ضروری است.

قوانین عالم وجود وکیل را در دادگاه‌ها پذیرفته و حتی اساسی تشخیص داده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وجود وکیل را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق افراد با صراحت شناخته است. بدین ترتیب وکیل حق دارد در دادگاه حاضر شده از حقوق موکل خود دفاع کند مقدمات این دفاع چون تقدیم دادخواست‌های حقوقی و یا شکوائیه‌های جزایی و درخواست‌های مختلف به عنوان اذن در لوازم وکالت نیز مورد شناخت قرار گرفته و بداهت امر محلی برای شبیه ایجاد نمی‌کند.

پس از تصویب قانون تشکیلات عدلیه در مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ به جز وکلای مجاز، هیچ‌کس نمی‌تواند در جلسات محاکم عدلیه به سمت وکالت مداخله نماید مگر به طور اتفاقی (سالی در سه دعوا) که این قانون طی بخش‌نامه‌ای به عموم محاکم مرکز از سوی وزارت عدلیه اعظم اعلام شد و فقط تا شهریور همان سال به محاکم فرصت داد که وکیل رسمی یا موقت که از سوی اصحاب دعوا محاکم معرفی می‌شود، بپذیرند و از آن تاریخ فقط اشخاصی را می‌توان به سمت وکالت در جلسه محاکمه مداخله داد که دارای جواز مخصوص باشند.

بسیار دیده شده است که لوایح و استدلال‌های متداعیین غیرحرفه‌ای اکثراً مفصل و دارای حشو زاید و غیر مستند به دلایل ضروری و پرونده این‌گونه افراد دارای نقص بسیاری است که علاوه بر تضییع حق خواهان، موجب گیجی یا زحمت و تطویل کار دادگاه و باعث نارضایی مردم از دادگاه‌ها و قضات می‌گردد. از طرف دیگر قاضی نیز به دلیل آن که حق ندارد طرفین دعوا را، حتی اگر چه در دعوی ذی‌حق باشند، تلقین یا راهنمایی کند در مواردی که گذشت، امکان کمک و مساعدت ندارد ولو آن که عجز احد متداعیین را در بیان حق ببیند.

در جرایم که لزوماً دادستان یک طرف قضیه است و با ابزار حقوق و قانون و تجربه به مقابله با متهم که مجرمیت او معلوم نیست، می‌آید و دادگاه نیز به جهت رعایت بی‌طرفی حق کمک به متهم را ندارد، لزوم شرکت یک شخص با تجربه به وکالت از متهم ضرورت بیش‌تری دارد. زیرا متهم معمولاً در کار قضائی بی‌تجربه است و عدالت اقتضا می‌کند که از طرف متهم نیز یک

آشنای به قانون با حق دفاع از وی حضور داشته باشد، به ویژه که این متهم است که اگر محکوم شود، مجازات می‌شود.

در مقابل وکلای دادگستری صاحبان حق هستند و بر طبق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق دفاع از امنیت و مصونیت شغلی خود را دارند. از سوی دیگر حرفه وکالت در همه کشورهای پیشرفته، پاسخ‌گوی یکی از مهم‌ترین نیازهای شهروندان یعنی دفاع از جان، مال، آزادی و حفظ حقوق مردم در دعاوی مدنی و کیفری است. به ویژه از هنگامی که حقوق مردم در کشورهایی چون انگلستان و آمریکا به رسمیت شناخته شد و نخستین اعلامیه تفصیلی حقوق بشر در اوت سال ۱۷۸۹ از سوی مجمع نمایندگان مردم فرانسه صادر گردید، دفاع موثر از این حقوق در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت و ضرورت حضور وکلای دادگستری را در دادرسی‌ها به نمایندگی از اصحاب دعوی و دفاع از حقوق متهمان در مرحله پی‌گردد و دادرسی روز به روز تقویت کرد. پشتیبانی از حقوق مردم به ویژه در مواردی که مقامات دولتی و دستگاه دادگستری در مقام تجاوز به جان و مال و آزادی شهروندان برمی‌آیند مورد نیاز بیش‌تر دادخواهان است و در این شرایط تنها وکلای دادگستری هستند که با داشتن استقلال و با تکیه بر دانش و تجربه و وجدان خود به کمک مردم می‌شتابند.<sup>۱</sup>

حرفه‌ی وکالت جزء استثنايي‌ترین مشاغل آزاد است که تحت ضابطه‌ی دقیق قانونی قرار دارد. وکیل دادگستری باید از نظامات مربوط به حرفه وکالت کاملاً آگاه باشد تا بتواند به تمام معنی و به نحو مفید و شایسته به شغل وکالت ادامه دهد. وکلای دادگستری از قدیم الایام افتخار دارند که هم‌واره برای تکمیل شرافت حرفه خود حداکثر کوشش را بنمایند. شغل وکالت را یک خدمت روحانی دانسته تا حد قهرمانی بر اعتبار آن افزوده‌اند و از این رو همیشه این افتخار را داشته‌اند که نه تنها مردانی آزاد باشند بل که آزادترین مردان بمانند و این کلمه آزادی که از زبان آن‌ها شنیده می‌شود معنی حقیقی خود را می‌رساند.

در خصوص مسئولیت وکیل دادگستری، کلیات شغل وکالت، مراجع انتظامی و آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی، پژوهش‌های مختلفی در قالب مقاله و پایان‌نامه و تحقیقات و گزارش‌های علمی انجام شده است. اما تاکنون کتابی جامع در رابطه با مسئولیت انتظامی وکیل دادگستری و نحوه رسیدگی به این تخلفات تالیف نشده تا وکلای محترم دادگستری با مراجعه به آن به مبهمات ذهنی خود پاسخ دهند و این است که ناخودآگاه درگیر تخلفات انتظامی

۱. کاشانی، دکتر سیدمحمود، (وکیل پایه یک دادگستری)، استقلال کانون وکلای دادگستری و دست آورد وکلای

دادگستری ایران و جهان، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۷۰، مهر ۱۳۷۹، صص ۲۵ تا ۲۹

می‌شوند. بنابراین به جهت اهمیت آثار و پیامدهای نگران کننده تخلفات وکیل دادگستری و تاثیرات مخربشان بر روند رسیدگی محاکم قضایی از یک سو و سلب اطمینان و اعتماد مردم از وکلاء از دیگر سو و هم‌چنین بررسی جنبه‌های گوناگون تخلفات انتظامی و ضمانت اجرای آن ضروری به نظر رسید که نگارش اثر حاضر پاسخی مختصر به نیازی مبرم است.

از اولین سال انتشار کتاب نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری، حدود ۱۰ سال می‌گذرد، آن زمان که شروع به تدوین مجموعه حاضر نمودم آن چه مرا یاری نمود صرفاً یافته‌های علمی و غور در آثار و مقالات موجود و مطالعات حقوقی و صنفی بود که نهایتاً در این مجموعه گردآوری شد و تقدیم همکاران شریف و جامعه وکالت گردید و اتفاقاً به عنوان مجموعه‌ای کامل مورد استقبال قرار گرفت.

اما پس از آن و با استقلال کانون سرافراز البرز و شروع دومین دوره هیئت مدیره، حقیر توفیق خدمت در دادرسی انتظامی آن کانون را یافتم و در دوره بعد از آن نیز به عنوان قاضی شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلاء دادگستری البرز قبول خدمت نمودم، طی این دوران بر یافته‌های عملی‌ام آن چنان افزود که در نگاهم به مسائل انتظامی تغییر شگرفی ایجاد شد، اما هر وقت تصمیم گرفتم متون این اثر را با یافته‌های عملی درآمیزم، بیم تصویب «لایحه جامع وکالت» و بلا تکلیفی ناشی از چرخش این لایحه در بین سه نهاد دولت و مجلس و قوه قضاییه، شوق شروع به اصلاحات را از حقیر سلب می‌نمود تا این که خروج بررسی لایحه در دستور کار قرار گرفت تا شاهد بررسی و تغییر در قوانین پیشین وکالت باشیم.

بعد از توفیق خدمت در شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز و مجالست با یار دیرین و رفیق شفیقم جناب آقای آرش ذوالفقار (ریاست وقت آن شعبه) فرصت ممارست مجدد آنچه تاکنون فقط نوشته بودم، نصیبم گردید و باعث شد تا باری دیگر قوانین و مقررات خاص وکالت را بیاموزم و با استفاده از رهنمودهای مشفقانه و دلسوزانه این استاد ارجمند، خود را بیازمایم و با این توفیق شوق اصلاح اثر حاضر رو به تزاید گذاشت و باری تعالی توفیق را رفیق راه ساخت تا بتوانم آن چه قبلاً با شیوه علمی صرف گردآوری کرده بودم به سلاح عمل بیاریم و بار دیگر تقدیم جامعه وکالت نمایم، شکی نیست هیچ اثری را نمی‌توان خالی از عیب و نقص یافت، اما چشم امید به راهنمایی‌های مشفقانه همکاران و خوانندگان این اثر دوخته‌ام تا با انعکاس کاستی‌های مجموعه حاضر بنده را در اصلاح مجدد آن یاری رسانند.

دیرزمانی بود که مشتاق موافقت مسئولان کانون وکلای دادگستری البرز در انتشار آراء انتظامی صادره در مراجعه دادرسی و دادگاه انتظامی آن کانون محترم بودم که تا شروع دوره پنجم هیئت



مدیره آن چنان توفیقی نیافتیم لکن با جلب اعتمادی که در این دوره حاصل گردید اعضاء محترم هیئت مدیره و خصوصاً ریاست محترم وقت استاد «دکتر حسین تفویضی» منت نهاده و موافقت خویش را در انتشار آراء صادره با حفظ محرمانگی اعلام و این جانب با همکاری نهادهای انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز نهایتاً موفق به تدوین این مجموعه گردیدم.

مجموعه حاضر نه تنها اصلاح و بروز رسانی مجموعه قبلی با نام «نظارت انتظامی بر رفتار قضات دادگستری» بود که با همه بیم و امیدهای موجود در ابتدای سال ۱۳۹۶ به زیور طبع آراسته و به جامعه حقوقی تقدیم گردیده است، بلکه علاوه بر بیان مقررات و آیین و تشریفات دادرسی به تبیین آراء انتظامی با عنوان «رویه قضایی» ذیل هر مبحث سعی در بیان مطلب و تفهیم مسائل برای نوآموزان وکالت گردیده است البته لازم است به این مهم نیز اشاره گردد که در قسمت بیان رویه قضایی آن چه آورده شده است الزاماً نظر نویسندگان این اثر نیست و صرفاً به بیان متن رای پرداخته ولو آن که در عمل و نتیجه با صادر کننده رای هم عقیده نباشیم.

در مجموعه حاضر با وجود توفیق خدمت انتظامی در بدنه دادرسی و دادگاه انتظامی سعی شده است تا مفاهیم و مبانی صدور آرای که در طول یک دهه، مبنای صدور رای قرار گرفته است تبیین گردد که خود می‌تواند راهگشای نگرش انتظامی در آن کانون و سایر کانونها باشد.

در این جا بر خود فرض می‌دانم از زحمات تمامی دادستانها، دادیاران، دادرسان و قضات شریف محاکم انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز که در طول یک دهه فعالیت در حوزه انتظامی خوش درخشیده و منشاء خیر و برکت در حفظ شئون وکالت بوده‌اند تشکر و قدردانی نموده و خود را همواره مدیون راهنمایی‌های استادانه این عزیزان می‌دانم و ترس آن دارم تا عزیزی را از قلم انداخته و حق مطلب را اداء ننمایم وگرنه حاضر از تک تک این ارجمندان با ذکر نام قدردانی نمایم که وقت خود را فدای تعالی این کانون همیشه سرافراز نموده‌اند.

آن چه پیش رو دارید بیان رویه قضایی انتظامی است که حاصل قلم فرسایی قضات شریف مراجع انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز از بدو تشکیل تا پایان سال ۱۳۹۸ است و یقین دارم آن چه از مطالعه این آراء حاصل خواهد شد، جز یقین به تدبیر مدبرانه این دوستان نخواهد بود، البته به جهت تلطیف مباحث قبل از ورود به هر عنوان تخلف، کوشیده‌ایم مقدمه‌ای در خصوص بیان مطلب و عنوان عنصر قانونی و مادی تخلف آورده و پس از آن به بررسی رویه قضایی انتظامی بپردازیم و سعی کرده‌ایم تا با جمع آوری آراء پرمغز و استدلالی در خصوص هر مبحث خواننده را به عمق مطلب آگاه سازیم هر چند در برخی آراء نظرات متفاوت و متهافت دیده می‌شود که البته به غنای مجموعه خواهد افزود، ولی ذکر این مطلب ضروری است که

استدلالاتی ذکر شده در متن آراء منتشر شده الزاماً عقیده نویسنده نیست چه بسا با برخی آراء از لحاظ نتیجه مخالفت‌هایی نیز وجود داشته باشد لکن هوده این نوع تدوین، آشنایی خواننده با رویه متفاوت و غالب انتظامی در این کانون وزین خواهد بود.

شکی نیست حفظ شرافت جامعه و کالت، بعنوان گوهر زرین این شغل، امید و آروزی همه دست اندرکاران محاکم انتظامی است و از دیرباز شنیده‌ایم که «حفظ حرمت امامزاده با متولی آن است»، اما متأسفانه وجود و ظهور و کیل نمایانی در این جامعه شریف، که به نام وکیل دادگستری، موفق به اخذ پروانه و کالت می‌شوند، بزرگترین مخاطره این شغل است که باید بدان توجه جدی نمود. مهمترین ویژگی قضات محاکم انتظامی نسبت به سایر قضات این است که از بین همکاران خود گزینش شده و برای آنان قضاوت می‌نمایند که البته نباید فراموش کرد که با درایت تمام در پی آنند که شرافت این شغل را حفظ نمایند. این ماییم که باید توجه داشته باشیم که مبادا روزی «شرافت» شغلیمان «شر» و «آفت» انسانیت‌مان گردد و فراموش نکنیم که حکمت وزیدن باد، رقصاندن شاخه‌ها نیست، امتحان ریشه‌هاست.

والعاقبه للمتقين

مجتبی باری - زمستان ۹۹

## فصل پنجم

### اخذ پروانه در صورت عدم وجود شرایط لازم

ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ در خصوص شرایط لازم برای صدور پروانه کارآموزی وکالت مقرر می‌دارد: «برای اشخاصی پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانش‌نامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانش‌گاهی دارای شرایط ذیل باشند:

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام.

ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی.

ج - نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری.

د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرام‌نامه آن‌ها مبتنی بر نفی ادیان الهی می‌باشد.

ه - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت.

و - عدم عضویت و هواداری از گروهک‌های غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

ز - عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی.

تبصره ۱ - کانون‌های وکلاء مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذی صلاح مربوطه استعلام نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت ۲ ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند.

تبصره ۲ - برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند.

تبصره ۳ - مدت کارآموزی اعضای هیأت علمی دانش‌کده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.

تبصره ۴ - اقلیت‌های مذهبی از دارا بودن شرایط در بند «الف» مستثنی می‌باشند.

تبصره ۵- اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد هر گاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلائل آن را به دادگاه انتظامی وکلاء اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی مقتضی صادر می‌کند پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود، مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.»

ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ مقرر داشته «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱. اتباع خارجه.
۲. قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانش کده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانش گاه.
۳. محجورین و هم‌چنین کسانی که سن آن‌ها کمتر از ۲۵ سال باشد.
۴. محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.
۵. اشخاص مشهور به فساد اخلاق یا تجاهر به استعمال مسکر، افیون و منافی عفت.
۶. محکومیت به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آن که به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.
۷. کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.
۸. اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.»<sup>۱</sup>

۱. متحدالمال (بخش نامه) به کلیه محاکم در خصوص پذیرفتن اشخاص فاقد جواز وکالت یا ممنوع الوکاله (شماره ۲۷ الف-۲۱۷/۱۱-۷۰۸۵ مورخ ۱۳۱۱/۳/۱۸): «از قرار اطلاع حاصله دفاتر محاکم در پذیرفتن وکیل مدافع دقت لازم ننموده و اشخاصی که ممنوع الوکاله هستند و یا دارای جواز وکالت نمی‌باشند به سمت وکالت می‌پذیرند این است که اکیداً قدغن می‌شود از تاریخ ۱۶ خرداد ماه فقط اشخاصی را می‌توانند به سمت وکالت بپذیرند که اسامی آنان در صورتی که از طرف اداره احصائیه امور قضایی تنظیم و در مجله مندرج خواهد شد قید شده و یا وکیل دارای اجازه نامه وکالت هذه السنه باشد. وزیر عدلیه- داور.» (قهرمانی، نصرالله و یوسفی محله ابراهیم، همان منبع، ص ۱۰۲)

ضمانت اجرای این مهم در ماده ۸۲ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مقرر است: «متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد بود: ۱- کسانی که بر خلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجراء این آیین‌نامه کتباً به کانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نماید و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید ظرف ده روز از تاریخ فاقد شدن شرط، کانون را کتباً مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید...»

گاه ممکن است عدم صلاحیت اشتغال به شغل وکالت به علت دارا بودن مشاغل خاص باشد. دادگاه عالی انتظامی قضات در رأی ۸۷-۱۳۷۵/۵/۹-عنوان نموده: «ایراد آقای... به رأی محکومیت خود (محرومیت دائم از شغل وکالت) وارد نیست زیرا ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ شغل وکالت دادگستری را منافی با سردفتری دانسته یعنی در یک زمان نمی‌تواند کسی هم سردفتر اسناد رسمی باشد و هم شغل وکالت دادگستری داشته باشد. یعنی دارای پروانه وکالت دادگستری باشد هم چنین ایراد نام‌برده به این عنوان که شرایط قانونی و تحصیل پروانه وکالت را بعد از تحصیل پروانه از دست نداده است نیز وارد نیست زیرا نام‌برده بر حسب قسمت اخیر بند ۱ ماده ۸۲ آئین‌نامه وکالت می‌بایست بعد از قبول شغل سردفتری ظرف ده روز از تاریخ فاقد شدن شرایط، کانون را کتباً مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید که به این وظیفه قانونی عمل ننموده است لذا رأی آقای... برخلاف مقررات قانونی نبوده و اعتراض نام‌برده بر آن بی‌مورد است.<sup>۱</sup>

هم‌واره باید توجه داشت برخی نقایص جسمانی مانع از اشتغال به امر وکالت نیست به موجب نظریه مورخ ۱۳۶۸/۲/۲۱ کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری «با توجه به این که در هیچ‌یک از مقررات مربوط منعی در خصوص مورد اعطای پروانه کارآموزی وکالت نابینایان وجود ندارد و با عنایت به این که نابینایان در شمار اشخاصی که طبق ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء نمی‌توان به آنان اجازه وکالت داد قرار ندارند، لذا می‌توان برای نابینایان متقاضی، پروانه کارآموزی صادر کرد.»<sup>۲</sup>

داشتن دو پروانه وکالت از دو کانون مختلف ممنوع است و علت ممنوعیت نیز بروز برخی مشکلات اجرایی است. کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری در نظریه مورخ ۷۳/۲/۸

۱. باختر، سید احمد و...، پیشین، ص ۴۲

۲. قهرمانی و غیره، همان منبع، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

عنوان نموده «چون طبق مقررات مربوطه داشتن دو پروانه وکالت از دو کانون وکلاء در زمان واحد ممکن نیست لذا تحصیل پروانه وکالت کانون وکلای مرکز موکول به رد و تسلیم پروانه وکالت کانون وکلای آذربایجان است.»<sup>۱</sup>

شعبه اول دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز طی دادنامه شماره ۱۲۳۹۶ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۷ صادره در پرونده کلاسه ۷۸/۱۲ دبیر و کارشناس حقوقی بودن آموزش و پرورش و کتمان این موضوع در زمان دریافت پروانه کارآموزی را تخلف انتظامی تلقی و حکم به محرومیت دایم از وکالت صادر نموده است. به تاریخ ۸۱/۷/۷ شعبه اول دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز به تصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل و پرونده کلاسه \*\*\* تحت نظر است. خلاصه جریان امر از این قرار است که فرماندار محترم شهرستان \*\*\* در تاریخ ۷۷/۱۲/۲۳ طی مکتوب شماره ۱۲۶۲۳۷ به ریاست محترم کانون وکلاء دادگستری اعلام داشته: برادر (آقای الف - ک) وکیل پایه یک دادگستری دارای پروانه وکالت شماره \*\*\* مورخ ۱۳۶۰ بعد از اخذ پروانه وکالت در استخدام دولت جمهوری اسلامی بوده و در آموزش و پرورش به عنوان دبیر و کارشناس مشغول انجام وظیفه است. مراتب جهت اطلاع و معافیت نام برده از پرداخت مالیات و عوارض دولتی و تمدید اعتبار وکالت نام برده اعلام، خواهشمند است اقدام لازم مبذول و نتیجه را اعلام نمایید. در تأیید نفس الامر قضیه مطرح، آقای (الف - ک) نیز طی مکتوب مورخ ۷۸/۶/۱۷ ثبت شده به شماره ۳۶۴: به رئیس محترم کانون اعلام داشته است «از بدو اخذ پروانه و قبل از آن در خدمت آموزش و پرورش دولت جمهوری اسلامی بوده ام و به شغل کارشناسی حقوق در ادارات وزارت آموزش و پرورش هم‌چنین دبیر، انجام وظیفه نموده‌ام» به هر صورت حسب تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۷۸/۶/۱۱ (هیئت مدیره) مورد، مطرح و مقرر می‌شود پرونده به دادرسی انتظامی جهت رسیدگی ارسال شود. متعاقب آن دعوت‌نامه شماره ۵۲۰/۶/۴۲ مورخ ۷۸/۱۰/۱۲ جهت (آقای الف - ک) مبنی بر مراجعه به آقای دادیار محترم دادرسی انتظامی ارسال که در تاریخ آقای (الف - ک) مجدد طی لایحه ثبت شده شماره ۱۶۸۵ مورخ ۸۷/۱۱/۳ در دفتر کانون اعلام می‌دارد: در سال ۵۷ به بعد در آموزش و پرورش مشغول خدمت و در کسوت دبیری و کارشناسی حقوقی ادارات آموزش و پرورش بوده‌ام و از سال ۱۳۶۹ به فرمان‌داری به صورت مأمور منتقل شده ... از بدو استخدام با توجه به دارا بودن پروانه وکالت خوشبختانه با پروانه مزبور کار شخصی و وکالتی انجام نداده بل که طی نامه‌ای پیوست فقط در

استخدام دولت جمهوری اسلامی بوده است. آقای دادیار محترم انتظامی در قرار مورخ ۷۹/۱۱/۳ حسب قسمت اخیر آن اعلام داشته‌اند. چون حسب سوابق در تاریخ درخواست و در طول مدت کارآموزی و هم‌چنین در زمان ادای سوگند و دریافت پروانه، استخدام رسمی دولت بوده است لذا نظر به تعقیب انتظامی وی دارد در تاریخ \*\*\* معاون محترم دادرسی انتظامی کانون با قرار صادره موافقت می‌نماید و حتی با توجه به اقرار صریح آقای (الف-ک) اعلام نظر نموده‌اند که نام‌برده بدون تجدید پروانه خود مبادرت به وکالت نموده است که این نیز تخلف محرز و مسلمی است. مع‌الوصف با عنایت به مراتب کیفر خواست صادر فرمایید.

در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۷ دادستان انتظامی محترم کانون در پرونده کلاسه ۷۸/۱۲ آن دادسرا با توجه به اعلام هیئت مدیره محترم کانون و کلاء محتویات پرونده مذکور و اقاریر صریح مشتکی‌عنه اقدام به صدور کیفر خواست می‌نماید و تخلف انتظامی آقای (الف-ک) را منطبق به بند ۱ ماده ۸۲ تشخیص و تقاضای رسیدگی و صدور حکم مجازات مشارالیه را به عمل می‌آورند که حسب ارجاع رئیس محترم وقت کانون پرونده امر به شعبه اول دادگاه انتظامی ارجاع می‌گردد.

با ابلاغ کیفر خواست مضبوط در پرونده امر به آقای (الف-ک) نام‌برده طی مکتوب مورخ \*\*\* به عنوان مدیر کل محترم آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران ۱ برگ ۱۴ پرونده امر، مجدد اعلام می‌دارد که... «در سال ۱۳۵۹ استخدام رسمی شده...» و در نهایت «تقاضای رفع اتهام از این قضیه را به عمل می‌آورد» آقای (الف-ک) مشتکی‌عنه طی لایحه ثبت شده به شماره مورخ ۸۰/۱/۲۸ در دفتر کانون وکلای دادگستری مرکز به عنوان رئیس محترم دادرسی انتظامی کانون و کلاء بازگشت به کیفر خواست صادره فوق‌الاشعار به صراحت اعلام می‌دارد: «قبل از اخذ پروانه مزبور دبیر حق‌التدریسی بوده و بعد از آن هم به اشتغال در دولت جمهوری اسلامی مشغول بوده (دبیر و کارشناس) تقاضای رفع سوء تفاهم از کیفر خواست نام‌برده داشته» دادگاه با مذاقه در محتویات پرونده امر و توجه به اقاریر مکتوب آقای (الف-ک) و نامه صادره از ناحیه دوایر رسمی دولتی و توجه به قرار صادره مورخ ۷۹/۱۱/۳۰ دادیار محترم دادرسی انتظامی کانون و کلاء و مفاد کفرخواست صادره، پس از استماع عقیده آقای دادیار محترم دادرسی انتظامی کانون دایر بر محرز بودن تخلف انتظامی آقای (الف-ک) دارنده پروانه پایه یک وکالت دادگستری به شماره ..... صادره سال ۱۳۶۰ به شرح ذیل به صدور رأی می‌پردازد.

**رأی دادگاه:** نظر به این که حسب محتویات پرونده کلاسه تخلف آقای (الف-ک) دارنده پروانه وکالت پایه یک دادگستری به شماره \*\*\* از مندرجات صریح و روشن بند ۱ ماده ۸۲ آیین‌نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ کاملاً محرز بوده و در